۲۹ روز تا جام جهانی

ملی پوشان ایران در کمپ سوئیس

تمرینات تیم ملی فوتبال ایران در سوئیس آغاز شده است و بازیکنان در کمپ «استیز» آخرین وضعیت خودشان را به برانکو نشان می دهند. کمپ استیز از اردوگاه های قدیمی اما مجهز در سوئیس است و تاکنون پذیرای تیم های معتبری بوده است. به طور مثال آلمان غربی پیش از جام جهانی ۱۹۵۴ در این کمپ اردو زده بود و تیم ملی آلمان هم اخیراً برای بازی با مجارستان در این اردوگاه حضور پیدا کرد.

عصر دیروز بازیکنان تیم ملی اولین بازی تدارکاتی خود را با یک تیم محلی برگزار کردند و قرار است دو بازی بعدی در روزهای جمعه و دوشنبه هفته آینده برگزار شود.

فهرست نهایی ۲۲ نفره تیم ملی روز دوشنبه اعلام می شود و شاید ۵ نفر هم به عنوان ذخیره همراه تیم ملی باقی بمانند. پیش از این قرار بود سه نفر به عنوان ذخیره معرفی شوند. در تمرینات اخیر که در غیاب یحیی گل محمدی، دایی و بختیاری زاده انجام می گیرد معدنچی و کاظمیان هم حضور یافته اند. البته رسول خطیبی هم به خاطر حضور در جام حذفی سبک تر از بقیه تمرین می کند.

ممکن است فریدون زندی هم به جمع اعضای تیم ملی اضافه شود. قرار است دکتر دادکان هم در کمپ تیم ملی حضور داشته باشد. دادکان که فعلاً در مالزی به سر می برد به ژاپن و سپس به سوئیس خواهد رفت. ظاهراً حضور ایران در کمپ استیز بازتاب مناسبی در مطبوعات آلمان، سوئیس و اتریش داشته است.

شعار تیم های حاضر در جام جهانی
ایران با ستارگان پارس

سایت رقابت های جام جهانی اقدام به انتشار شعارهای تیم های حاضر در این مسابقات به شرح ذیل کرد:

■ **گروه A**:
آلمان: «ما فوتبال هستیم»
اکوادور: «اکوادور زندگی ام، فوتبال تعصبم، جام هدفم»
لهستان: «سفید و قرمز، خطرناک و دلیر»
کاستاریکا: «تیم ما ارتش ماست و توپ اسلحه مان. به آلمان می رویم و با تمام وجود خواهیم جنگید»

■ **گروه B**:
انگلستان: «یک ملت، یک جام، یازده شیر»
پاراگوئه: «از قلب آمریکا . . . این روحیه گوارایی است»
ترینیداد و توباگو: «این هم دلاوران سوکا، روحیه جنگندگی کارائیبی ها»
سوئد: «بجنگ! روحیه ات را نشان بده! بیا! همه شما را حمایت می کنند»

■ **گروه C**:
آرژانتین: «برخیز! آرژانتین در راه است.»
ساحل عاج: «فیل ها بجنبید! به روش خود جام را ببرید»
صربستان و مونته نگرو: «تنها به عشق بازی»
هلند: «نارنجی ها در راه طلایی شدن»

■ **گروه D**:
مکزیک: «هیجان آزتک در سراسر جهان»
ایران: «ستارگان پارس»
آنگولا: «آنگولا در راه است، تیم ما، ملت ماست»
پرتغال: «با پرچمی کنار پنجره و ملتی در میدان، پرتغال پیروز است»

■ **گروه E**:
ایتالیا: «آبی افتخار ما، ایتالیا در قلب ماست»
غنا: «ستارگان سیاه بروید، ستارگان جهان ما»
ایالات متحده: «با هم بازی می کنیم و با هم می بریم»
جمهوری چک: «ایمان و داشتن قدرت یک شیر، آرزوی ما برای پیروزی و هودارانمان است»

■ **گروه F**:
برزیل: «وسیله ای که یکصد و هشتاد میلیون قلب برزیلی آن را کنترل می کند»
کرواسی: «با آتشی در وجودمان، پیش به سوی مرحله نهایی»
استرالیا: «فوتبالیست های استرالیا، پیش به سوی افتخار»
ژاپن: «روحیه سامورایی تان را نشان دهید»

■ **گروه G**:
فرانسه: «آزادی، برابری، ژول ریمه»
سوئیس: «۲۰۰۶، ساعت سوئیس است»
کره جنوبی: «کره، متحد، اسطوره تمام نشدنی»
توگو: «انگیزه برای پیروزی و تشنگی برای موفقیت»

■ **گروه H**:
اسپانیا: «اسپانیا، یک کشور، یک هدف»
اوکراین: «با حمایت ما، اوکراین نمی تواند موفق نشود!»
تونس: «عقاب های کارتاژ، بالاتر و قدرتمندتر از همیشه»
عربستان سعودی: «شاهین های سبز نمی توانند متوقف شوند»

■ **درآمد سه میلیارد یورویی از جام جهانی**

دولت آلمان از برگزاری رقابت های جام جهانی فوتبال انتظار درآمدی سه میلیارد یورویی دارد. دولت جمهوری فدرال آلمان میزبان جام جهانی انتظار دارد تا از محل برگزاری این رقابت ها سود سه میلیارد یورویی عاید کشورش شود. این مبلغ در یک فاصله زمانی سه ساله در آلمان خرج خواهد شد. به نوشته مجله خبری «فوکوس» وزیر اقتصاد و دارایی آلمان این مطلب را در پاسخ به پرسش یکی از نمایندگان مجلس آلمان مطرح کرده بود. بیش از یک میلیون مهمان خارجی در جریان رقابت های جام جهانی که از نهم ژوئن تا نهم ژولای در آلمان برگزار خواهد شد به این کشور سفر خواهند کرد.

■ **تابلوفرش ایرانی؛ هدیه به قهرمان جام جهانی**

ایسنا: تابلوفرش جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان توسط یک بانوی هنرمند اهل ممسنی بافته شد. خانم زرنگار قاسمی بانوی هنرمند اهل ممسنی این تابلوفرش را در اندازه ۱۰۰×۷۰ سانتی متر بافته است. مدیرعامل یک شرکت تعاونی که این فرش با حمایت آن شرکت بافته می شود، می گوید: تاکنون این تابلوفرش حدود ۱/۵ میلیون تومان هزینه برداشته است که بیش از ۳۰۰ هزار تومان نیز باید هزینه «پرداخت» فرش شود چرا که فرش هنوز پرداخت نشده است و برای پرداخت شدن باید به شهرستان تبریز برود که در نهایت دومیلیون تومان قیمت تمام شده فرش خواهد بود. با هماهنگی ای که از طریق دفتر ریاست جمهوری و خانه هنر ایران در آلمان صورت گرفته است این تابلوفرش نصیب تیم قهرمان جام جهانی می شود و در واقع این فرش برای تیم قهرمان حکم جام را دارد، اما هر تیمی که قهرمان شد باید مطابق قیمتی که ایران برای فرش تعیین می کند آن را خریداری کند که در نهایت ۴ درصد این مبلغ به جمهوری اسلامی ایران و مابقی به شرکت تعاونی تولیدکننده فرش تعلق می گیرد. گفتنی است در تابلوفرش جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان پرچم کشورهای حاضر در جام جهانی به همراه گروه هایی که در آن قرار دارند و نام کشورها وجود دارد که بر بالای فرش نیز آرم فیفا نقش بسته است ضمن اینکه در زیر پرچم کشورها به زبان لاتین نوشته شده صنایع دستی ایران.

متن کامل نامه احمدی نژاد به بوش

ادامه از صفحه اول

من به آنها می گویم تاریخ جنگ جهانی اول و دوم را مطالعه کنید. یکی از دانشجویانم به من گفت که در جریان جنگ جهانی دوم که بیش از ده ها میلیون نفر جان خود را از دست دادند، اخبار مربوط به جنگ به سرعت از سوی طرف های در حال جنگ منتشر می شد. پس از جنگ آنها ادعا کردند که شش میلیون یهودی کشته شده اند. شش میلیون انسانی که قطعاً با دو میلیون خانواده وابستگی داشته اند.

دوباره اجازه دهید، فرض کنیم که این رخدادها حقیقت دارد. آیا این به صورت منطقی می تواند تاسیس کشور اسرائیل در خاورمیانه یا حمایت از چنین کشوری را توجیه کند؟

آقای رئیس جمهور،

من مطمئن هستم که شما می دانید چگونه- و به چه هزینه ای- اسرائیل ایجاد شد:

- چندین هزار نفر در این فرآیند کشته شدند؛
- میلیون ها تن از افراد بومی آواره گشتند؛
- صدها هزار هکتار از اراضی کشاورزی، باغات زیتون، شهرها و روستاها تخریب شدند.

این تراژدی مختص به زمان استقرار اسرائیل نیست و متاسفانه ۶۰ سال است که تاکنون جریان دارد.

رژیمی مستقر شده است که هیچ رحمی را حتی برای کودکان قائل نیست، خانه ها را در حالی که ساکنانش هنوز در آن هستند، نابود می کند، فهرست پیش دستانه اش و طرح های خود را برای ترور شخصیت های فلسطینی اعلام می کند و هزاران تن از فلسطینیان را در زندان نگه می دارد. چنین پدیده ای حتی در بعیدترین حالت ممکن در حافظه تاریخی کنونی نیز منحصر به فرد است.

سئوال مهم دیگری که مردم می پرسند این است که چرا این رژیم مورد حمایت قرار می گیرد؟

آیا حمایت از این رژیم با آموزه های عیسی مسیح(ع) یا موسی(ع) یا ارزش های لیبرال همخوانی دارد؟

آیا ما این گونه درک می کنیم که اجازه دادن به ساکنان اصلی این سرزمین ها- داخل و خارج از فلسطین- چه مسیحی، مسلمان یا یهودی باشند، برای تعیین سرنوشتشان در تضاد با اصول دموکراسی، حقوق بشر و آموزه های پیامبران است؟ اگر نه، چرا چنین مخالفت گسترده ای با برگزاری همه پرسی انجام می شود؟

دولت تازه انتخاب شده فلسطین اخیراً قدرت را در دست گرفته است. تمام ناظران مستقل تایید کرده اند که این دولت برآمده از انتخابات است. به طور غیرقابل باوری آنها دولت منتخب را زیر فشار گذاشته اند و به آن توصیه کرده اند که رژیم اسرائیل را به رسمیت بشناسد، از مقاومت دست بردارد و برنامه های دولت پیشین را دنبال کند.

اگر دولت فعلی فلسطین همان وضعیت سابق را در پیش می گرفت، ملت فلسطین آن را انتخاب می کرد؟ دوباره می گویم آیا چنین موضعی در مخالفت با دولت فلسطین ربطی با ارزش هایی که پیشتر مطرح شده است، دارد؟ مردم همچنین می گویند: «چرا تمام قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت اسرائیل وتو می شود؟»

آقای رئیس جمهور،

همان گونه که شما به خوبی آگاه هستید، من در میان مردم زندگی می کنم و در ارتباط مداوم با آنها هستم - بسیاری از مردم خاورمیانه نیز می توانند با من تماس داشته باشند- آنها به سیاست های دوگانه اعتمادی ندارند. این مشخص است که مردم منطقه به صورت فزاینده ای از چنین سیاست هایی خشمگین هستند.

من قصد ندارم که سئوال های زیادی را مطرح کنم، اما نیاز است که چند نکته دیگری را نیز یادآور شوم.

چرا هرگونه دستاورد تکنولوژیک و علمی در منطقه خاورمیانه به معنای تهدید علیه رژیم صهیونیستی تصویر و تعریف می شود؟ آیا تحقیق و توسعه علمی یکی از حقوق بنیادین ملت ها نیست؟

شما با تاریخ آشنایی دارید. جدای از قرون وسطی در چه زمان دیگری از تاریخ پیشرفت علمی و فنی جرم محسوب می شده است؟ آیا احتمال این که دستاوردهای علمی برای مقاصد نظامی مورد استفاده قرار گیرد، می تواند دلیلی کافی برای مخالفت با علم و فناوری به صورت توأمان باشد؟ اگر چنین پیش فرضی درست باشد بنابراین باید با تمام قوانین علمی از جمله فیزیک، شیمی، ریاضی، پزشکی، مهندسی و . . . نیز مخالفت شود!

دروغ هایی درخصوص موضوع عراق مطرح شده است. نتیجه چه بود؟ شکی ندارم که دروغ گفتن در تمام فرهنگ ها نکوهیده است و شما هم دوست ندارید که دروغ بشنوید.

آقای رئیس جمهور،

آیا ساکنان آمریکای لاتین حق ندارند که بپرسند چرا دولت های منتخب شان مورد مخالفت قرار می گیرند و رهبرانی که از طریق کودتا بر سر کار آمده اند، حمایت می شوند؟ یا چرا آنها باید به صورت مداوم مورد تهدید قرار بگیرند و در هراس به سر برند؟

مردم آفریقا، سختکوش، خلاق و مستعد هستند. آنها می توانند نقشی مهم و ارزشمند را برای تامین نیازهای بشریت ایفا کنند و پیشرفت مادی و معنوی آن را ارتقا بخشند. فقر و مشقت در بخش های عظیمی از آفریقا مانع از تحقق چنین امری می شود. آیا آنها حق ندارند بپرسند چرا ثروت عظیم شان - از جمله منابع معدنی- با وجود این حقیقت که آنها بیش از دیگران به آن نیاز دارند چپاول می شود؟

مجدداً می گویم آیا چنین اقداماتی برآورنده آموزه های مسیح(ع) و معتقدات حقوق بشر است؟

مردم شجاع و مومن ایران نیز سئوالات و گلایه های بسیاری دارند که از آن جمله کودتای ۱۳۳۲ و به تبع آن سرنگونی رژیم مشروع وقت، مخالفت با انقلاب اسلامی، تبدیل سفارت به مقر حمایت از فعالیت های مخالفان جمهوری اسلامی (هزاران صفحه از اسناد بر این ادعا صحه می گذارند)، حمایت از صدام در جنگی که علیه ایران به راه انداخت، مورد اصابت قرار دادن هواپیمای مسافربری ایرانی، مسدود کردن دارایی های ملت ایران، افزایش تهدیدات، خشم و نارضایتی و همچنین مخالفت با پیشرفت علمی و هسته ای ملت ایران (درست زمانی که تمام ایرانی ها خوشحال از پیشرفت کشورشان هستند) و بسیاری از گلایه هایی دیگر که من در این نامه به آن اشاره نمی کنم.

آقای رئیس جمهور،

یازده سپتامبر واقعه فجیعی بود. کشتار بی گناهان در تمامی نقاط جهان اسفبار و وحشتناک است. دولت ما به سرعت انزجار خود را از ترتیب دهندگان این واقعه ابراز کرد و ضمن ابراز تسلیت به بازماندگان، با آنها ابراز همدردی کرد.

تمام دولت ها وظیفه دارند که از جان، مال و شأن شهروندانشان محافظت کنند. گفته می شود که دولت شما سیستم های امنیتی، حفاظتی و اطلاعاتی گسترده ای را به خدمت گرفته است و حتی مخالفانش در خارج را نیز دستگیر می کند. یازده سپتامبر عملیات ساده ای نبود. آیا می توانست بدون هماهنگی با سرویس های اطلاعاتی و امنیتی طرح ریزی و اجرا شود؟

البته این یک حدس و گمان دانشگاهی است؛ چرا جنبه های این حمله مخفیانه باقی مانده است؟ چرا چیزی در رابطه با آن که چه کسی مسئولیت این حملات را برعهده گرفته است، به ما گفته نمی شود؟ و چرا آنها که مسئول و مقصر شناخته شدند، مورد محاکمه قرار نگرفتند؟

تمام دولت ها وظیفه دارند که امنیت و آرامش ذهنی را برای شهروندانشان فراهم کنند. چندین سال است مردم کشورتان و همسایگان نقاط دردسرخیز جهان آرامش ندارند. پس از یازده سپتامبر به جای ترمیم احساسات جریحه دار شده بازماندگان و مردم آمریکا- که به طور گسترده ای متاثر از حملات بودند- برخی از رسانه های غربی صرفاً به تشدید فضای ترس و ناامنی پرداختند؛ برخی به طور مداوم درباره احتمال حملات تروریستی جدیدتر صحبت کردند و مردم را در وحشت نگه داشتند. آیا این خدمتی به مردم آمریکا است؟ آیا امکان محاسبه خسارات ناشی از ترس و دلهره وجود دارد؟

شهروندان آمریکا در ترس مداوم از حملات تازه ای زندگی کردند که می توانست هر لحظه و در هر مکانی رخ دهد. آنها در خیابان ها، محل کارشان و خانه احساس ناامنی داشتند. چه کسی از چنین وضعیتی خوشحال است؟ چرا رسانه ها به جای انتقال احساس امنیت و فراهم کردن آرامش ذهنی به افزایش احساس ناامنی دامن زدند؟

برخی معتقدند این جنجال سازی ها راه را برای حمله ای به افغانستان - و حتی توجیه آن - باز کرد.

دوباره باید به نقش رسانه اشاره کنم. در منشور رسانه ای، انتشار اطلاعات صحیح و گزارش دهی صادقانه ماجرا از اصول اعتقادی است. من تاسف عمیقم را از بی توجهی ای که برخی رسانه های مشخص غربی نسبت به این اصول نشان دادند ابراز می کنم. بهانه اصلی برای حمله به عراق وجود سلاح های کشتارجمعی بود. این به طور مداوم تکرار شد - و به افکار عمومی القا شد تا در نهایت باور کنند- و زمینه برای حمله به عراق مهیا گشت.

آیا حقیقت در یک فضای ساختگی و گمراه کننده گم نمی شود؟

مجدداً اگر اجازه داده شود که حقیقت گم شود، چگونه می توان آن را با ارزش های فوق الذکر وفق داد؟ آیا حقیقت نزد قادر مطلق نیز قابل پنهان کردن است؟

آقای رئیس جمهور،

در کشورهای اقصی نقاط جهان شهروندان تامین کننده هزینه های دولت هستند تا دولتشان در مقابل قادر باشد به آنها خدمت کند.

سئوال اینجا است که «صدها میلیارد دلار پولی که سالانه برای جنگ عراق هزینه شد چه حاصلی برای شهروندان داشت؟»

همان طور که جنابعالی آگاهید، در برخی از ایالت های کشور شما مردم در فقر به سر می برند. چندین هزار بی خانمان و بیکار مشکلی عمده در کشورتان به شمار می رود. البته این مشکلات کمابیش در سایر کشورها نیز وجود دارد. با در نظر گرفتن این شرایط آیا هزینه های سرسام آور جنگ که از جیب ملت پرداخت می شود می تواند توجیه کننده و در راستای اصول پیشتر مطرح شده باشد؟

آنچه ذکر آن رفت، برخی از گلایه های مردم سراسر جهان، منطقه ما و کشور شما است. اما قصد اصلی من- که امیدوارم تا حدی با آن موافق باشید- بدین شرح است:

آنها که در مسند قدرت قرار دارند برای زمان مشخصی بر سر کارند و نمی توانند به صورت نامحدود حکومت کنند اما نام آنها در تاریخ ثبت می شود و به طور مداوم در آینده نزدیک و دور مورد قضاوت قرار می گیرند.

مردم دوران ریاست جمهوری ما را مورد ارزیابی قرار می دهند.

آیا ما توانستیم صلح، امنیت و سعادت را برای ملتمان به ارمغان بیاوریم یا این که مسبب ناامنی و بیکاری بوده ایم؟

آیا ما قصد استقرار عدالت را داشتیم یا این که صرفاً در راستای حمایت از منافع گروه هایی خاص گام برمی داشتیم، یا با اعمال زور بر بسیاری از مردمی که در فقر و مشقت زندگی می کنند قصد داشتیم عده قلیلی را ثروتمند و قدرتمند کنیم و در نتیجه تائید مردم و قادر متعال را با منافع آنها معاوضه کنیم؟

آیا ما از حقوق مستضعفان دفاع می کردیم یا آنها را نادیده می گرفتیم؟

آیا ما از حقوق تمام انسان ها در سراسر جهان دفاع می کردیم یا برایشان جنگ برمی افروختیم، به صورت غیر قانونی در امور آنها مداخله، زندان های جهنمی برایشان ایجاد و آنها را محبوس می کردیم.

آیا ما صلح و امنیت را برای جهان به ارمغان آوردیم یا طیفی از تهدید و ارعاب را برمی انگیختیم؟

آیا ما حقایق را به مردم مان و سایر مردم جهان می گفتیم یا نسخه تحریف شده آن را در اختیارشان قرار می دادیم؟

آیا ما طرف ملت بودیم و یا اشغالگران و متجاوزان؟

آیا دولت ما رفتاری منطقی، عقلانی، اخلاق مدار، صلح جویانه، وظیفه مدار، عدالت محور، خدمت رسان به مردم را در پیش گرفت و عامل سعادت، پیشرفت و احترام گذار به عزت مردم بود و یا به نیروی اسلحه، ارعاب، ناامنی، بی اعتنایی به انسان ها، تاخیر در روند پیشرفت و تعالی سایر ملل و نقض حقوق ملت ها گرایش داشت و دست آخر آنها درباره ما این گونه قضاوت خواهند کرد که آیا ما صادق به سوگند خود در حین قرار گرفتن بر مسند کار مبنی بر خدمت رسانی به مردم که وظیفه اصلی ما و سنت پیامبران است پایبند ماندیم یا خیر؟

آقای رئیس جمهور، چه مدت دیگر جهان می تواند چنین وضعیتی را تحمل کند؟

این موج، جهان را به کدام سو هدایت خواهد کرد؟

چه مدت مردم جهان باید هزینه تصمیمات اشتباه برخی رهبران را پرداخت کنند؟

چه مدت دیگر طیف ناامنی که از جانب انبارهای سلاح های کشتار جمعی ایجاد شده است مردم جهان را به خود مشغول خواهد کرد؟

چه مدت دیگر خون زنان، مردان و کودکان بی گناه در خیابان ها ریخته می شود و منازل مردمان بر سرشان خراب می شود؟ آیا شما از وضعیت موجود جهان رضایت دارید؟

آیا فکر می کنید سیاست های فعلی موجود می تواند ادامه یابد؟

اگر میلیاردها دلاری که خرج امنیت، نبردهای نظامی و انتقالات نیروها شده است خرج سرمایه گذاری و یاری کشورهای فقیر، ارتقای سلامت، مبارزه با امراض گوناگون، تحصیل و بهبود وضعیت ذهنی و جسمی، یاری رسانی به قربانیان بلایای طبیعی، ایجاد فرصت های شغلی و تولیدی، پروژه های توسعه ای و فقرزدایی، استقرار صلح، میانجیگری در بین کشورهای در حال مناقشه و خاموش کردن شعله های مناقشات نژادی، قومی و سایر مناقشات می شد جهان می توانست همان گونه که امروز هست، باشد؟ آیا دولت شما و مردم شما به صورت توجیه پذیری از این بابت به خود نمی بالیدند؟ آیا وضعیت سیاسی و اقتصادی دولت شما از وضعیت کنونی مستحکم تر نبود؟ و من بسیار متاسفم که باید بگویم آیا در این صورت، نفرت فزاینده جهانی از دولت های آمریکایی باز هم وجود داشت؟

آقای رئیس جمهور، قصد ندارم که کسی را ناراحت کنم.

اگر ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، یوسف یا عیسی مسیح (ع) امروز با ما بودند چگونه درباره چنین رفتاری قضاوت می کردند؟ آیا به ما نقشی برای ایفای آن در جهان موعود که عدالت در آن جهانی خواهد شد و عیسی مسیح (ع) در آن حاضر خواهد شد داده می شد؟ آیا اصولاً آنها ما را قبول می کردند؟

سئوال بنیادین من این است: آیا راه بهتری برای تعامل با سایر کشورهای جهان وجود ندارد؟ امروز هزاران میلیون مسیحی، هزاران میلیون مسلمان و میلیون ها نفر از پیروان آموزه های موسی (ع) در جهان زندگی می کنند. تمام ادیان الهی به توحید یا اعتقاد به خدای واحد و نه هیچ کس دیگر در جهان احترام می گذارند.

قرآن کریم در این لغت مشترک تاکید می کند و از پیروان ادیان الهی می خواهد و می گوید (سوره ۳ آیه ۶۴): ای اهل کتاب! بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است و بر حق می دانیم پیروی کنیم و آن کلمه این است که به جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و برخی را به جای ربوبیت تعظیم نکنیم. اگر روی گرداندند بگویید که ما تسلیم فرمان خداوندیم.

آقای رئیس جمهور، براساس آیات الهی، همه ما به عبادت یک خدا و پیروی از آموزه های پیامبران الهی خوانده شده ایم.

«که خدای واحدی را که فراتر از همه قدرت های جهان است، عبادت کنیم و بتوانیم کارهایی را انجام دهیم که وی خشنود شود.»

«خدایی که پیدا و پنهان، گذشته و آینده را می داند و می داند که در قلب بندگانش چه می گذرد و کردار آنان را ثبت می کند.»

«خدایی که مالک بهشت و زمین است و همه جهان محضر او است.»

«طرح جان به دستان او صورت گرفته و به بندگانش مژده رحمت و آمرزش گناهان را داده است.»

«او همراه ستمدیدگان و دشمن ستمگران است.»

«او رحمان و رحیم است، او یار مومنان است و آنها را از تاریکی به سوی نور رهنمون می شود.»

«او شاهد کارهای بندگانش است و از آنها می خواهد که کارهای خوب انجام دهند و در صراط مستقیم بمانند و پا برجای باشند.»

«او از بندگانش می خواهد که به پیام پیامبرانش توجه کنند و او شاهد کردار آنها است.»

«پایان بد صرفاً از آن کسانی است که زندگی این جهان را برگزیده اند، نافرمانی کرده اند و به بندگان خدا ستم روا داشته اند.»

«و بهشت خوب و جاودان از آن بندگانی است که از عظمت او می ترسند و از هوای نفس خود پیروی نمی کنند.»

ما باور داریم که بازگشت به آموزه های پیامبران الهی تنها راهی است که به رستگاری منجر می شود.

ما همچنین باور داریم که عالی جناب از آموزه های عیسی (ع) پیروی می کنید و به وعده الهی حکومت عدل بر روی زمین باور دارید.

ما نیز معتقدیم که عیسی مسیح (ع) یکی از پیامبران بزرگ قادر مطلق بود، نام او مکرراً در قرآن مورد ستایش قرار گرفته است، به طور مثال در قرآن نقل شده است: مسلماً الله خدای من و خدای تو است، بنابراین باید بندگی او را به جا بیاورید، این راه درست است.

خدمت رسانی به قادر مطلق و اطاعت از او باور همه پیامبران آسمانی است.

خدای همه در اروپا، آفریقا، آمریکا، اقیانوسیه و بقیه جهان، یکتا است.

او خدای قادری است که می خواهد راهنمایی کند و به همه بندگانش بزرگی ببخشد.

او به انسان ها عظمت بخشیده است.

افزون بر این، ما در کتاب مقدس می خوانیم «خدای قادر به پیامبرانش معجزه و نشانه های روشن داده تا مردم را راهنمایی کنند و برای آنها نشانه های آسمانی بفرستند و آنها را از گناه و آلودگی تهذیب کنند و کتاب و میزان را فرستاده تا مردم به عدالت روی آورده و از طغیان دوری کنند.»

و آیات بالا را می توان در همه کتاب های آسمانی مشاهده کرد.

پیامبران الهی وعده داده اند، روزی فرا خواهد رسید که انسان ها در محضر قادر مطلق گرد می آیند و در آنجا به کردارشان پرداخته خواهد شد.

درستکاران به مکانی امن رهنمون می شوند و بدکاران با کیفر آسمانی روبه رو خواهند شد. هر دو ما به چنین روزی باور داریم، اما ارزیابی اقدامات حکمرانان آسان نخواهد بود، زیرا ما باید پاسخگوی ملت هایمان و همه آنها که زندگی شان به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تاثیر اقدامات ما قرار گرفته است، باشیم.

همه پیامبران، از صلح و آسایش برای انسان ها، براساس توحید، عدالت و احترام به مقام انسانی سخن گفته اند.

آیا شما فکر نمی کنید که اگر همه ما به این باور برسیم و از این اصول پیروی کنیم که توحید، پرستش خدا، عدالت، احترام به شأن انسانی، باور به آخرت است، می توانیم بر مشکلات کنونی جهان- که محصول نافرمانی از خدای قادر و آموزه های پیامبران است- غلبه کنیم و نقش خود را خوب بهبود بخشیم؟

آیا شما فکر نمی کنید که باور به این اصول صلح، دوستی و عدالت را ارتقا می دهد و آنها را تضمین می کند؟

آیا شما فکر نمی کنید که اصول مزبور و سایر اصول نانوشته به صورت جهانی مورد احترام هستند؟

آیا شما این دعوت را نخواهید پذیرفت؟ که بازگشتی حقیقی به آموزه های پیامبران است، برای توحید و عدالت، برای حفظ شأن انسانی و اطاعت از قادر مطلق و پیامبرانش؟

آقای رئیس جمهور،

تاریخ به ما می گوید که حکومت های ظالم و ستمگر باقی نمی مانند. خدا سرنوشت انسان ها را به خودشان سپرده است.

قادر مطلق جهان و انسان را به حال خود رها نکرده است. خیلی از چیزها برخلاف خواست ها و طرح های حکومت ها رخ داده است. این به ما می گوید که قدرتی بزرگتر در کار است و همه رخدادها توسط او تعیین شده است.

آیا کسی می تواند نشانه های تغییر جهان امروز را انکار کند؟ آیا امروز اوضاع جهان با یک سال پیش قابل مقایسه است؟ تغییرات با سرعت و با گامی متلاطم رخ می دهد.

مردم جهان از وضع موجود شادمان نیستند و به وعده ها و نظراتی که توسط برخی از رهبران منفور جهان ارائه می شود، توجهی نمی کنند.

بسیاری از مردم سراسر جهان احساس ناامنی می کنند و با گسترش جنگ و ناامنی مخالفند و سیاست های مشکوک را نمی پذیرند و تائید نمی کنند.

مردم به شکاف فزاینده میان دارا و ندار و کشورهای غنی و فقیر اعتراض می کنند.

مردم از فساد فزاینده بیزارند.

مردم بسیاری از کشورها نسبت به حمله به بنیاد فرهنگ ها و از هم پاشیدگی خانواده هایشان عصبانی هستند. آنها همچنین از محو شفقت و پروا بیمناکند.

مردم جهان به سازمان های بین المللی ایمان ندارند، زیرا توسط این سازمان ها از حقوق آنها طرفداری نمی شود.

لیبرالیسم و دموکراسی به سبک غربی قادر نبوده است که به تشخیص آرمان های انسانی کمک کند.

امروز این مفاهیم شکست خورده است. افراد با بصیرت اکنون صدای فروپاشی و سقوط این ایدئولوژی و اندیشه های نظام لیبرال دموکراسی را می شنوند.

ما به طور فزاینده ای مردم جهان را می بینیم که به یک نقطه کانونی اصلی - که قادر مطلق است در حال گرد آمدن هستند.

بدون شک، مردم از طریق ایمان به خدا و آموزه های پیامبران می توانند بر مشکلاتشان فائق آیند.

سئوال من از شما این است: آیا شما می خواهید به آنها ملحق شوید؟

آقای رئیس جمهور،

چه ما خوشمان بیاید یا نه، دنیا در حال حرکت به سوی ایمان به قادر متعال و عدالت است و خواست خداوند بر همه چیز غلبه پیدا خواهد کرد.

والسلام علی من التبع الهدی

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران»

وزیر کشور خبر داد:

سرنخ هایی از عاملان حادثه کرمانشاه به دست آمده است

ایرنا: مصطفی پورمحمدی وزیر کشور گفت: دستگاه اطلاعاتی در حال پیگیری، تعقیب و شناسایی عوامل انفجارهای روز دوشنبه شهر کرمانشاه است و سرنخ هایی به دست آمده است.

وی دیروز در حاشیه بازدید از نمایشگاه مطبوعات و کتاب در نشستی با خبرنگاران در سرای اهل قلم افزود: دستگاه اطلاعاتی گمانه هایی را نسبت به عاملان این جنایت زده است، وزارت کشور منتظر است تا جواب روشن تر و شفاف تری اعلام شود.

وزیر کشور گفت: روز گذشته در شهر کرمانشاه دو بمب متوسط در فرمانداری و اداره بازرگانی این شهر منفجر شد که موجب مجروح شدن چند نفر از شهروندان و آسیب رسیدن به یکی از ساختمان های اداری شده است.

پورمحمدی همچنین در مورد سرنوشت گروگان های واقعه تاسوکی در سیستان و بلوچستان گفت: در حال پیگیری دستگیری این اشرار هستیم، اشرار همواره پس از انجام شرارت و جنایت از کشور به نقطه ای دور دست فرار می کنند.

وی افزود: وزارت کشور در تعامل با دیگر کشورها اصرار دارد که این اشرار را تحویل دهند، اما آنها ادعا می کنند که به برخی مناطق در آن کشور مسلط نیستند و نمی توانند.

وزیر کشور از مکاتبه و درخواست همکاری از پلیس بین الملل (اینترپول) در این واقعه خبر داد و گفت: وزارت کشور طبق روال قانونی با اینترپول برای انجام همکاری مکاتبه کرده است و راهکارهای مختلف برای دستگیری آنها دنبال می شود.

پورمحمدی در پاسخ به این سئوال که گروهک «ریگی» تهدید به قتل تمامی گروگان های حادثه تاسوکی کرده است، پاسخ داد: تهدیدها و رجزخوانی ها همواره وجود دارد، جنایتکاران، جنایات خود را انجام می دهند، ما نیز وظیفه خود را انجام می دهیم.

وی اظهار امیدواری کرد که با اقدامات و پیگیری هایی که در حال انجام است کمترین آسیب به شهروندان برسد و تکرار چنین حوادثی به حداقل برسد. وزیر کشور گفت: در پی حادثه تاسوکی زابل، هشت گروگان هنوز در دست اشرار هستند، امیدواریم بتوانیم آنها را به سلامت به خانواده های آنان بازگردانیم.

ادامه سرمقاله

حرف و حدیث دیگری هم اگر باشد، غرولندهای رایج و بی اهمیت! اصحاب زیاده خواه و نازک نارنجی تالیف و ترجمه و نشر کتاب است که دست از بحث های تکراری و ملال آور «ممیزی سلیقه ای» و «معطلی صدور مجوز کتاب» و «جلوگیری از تجدید چاپ برخی کتاب های دارای مجوز» برنمی دارند. پس، تنها مسئله ای که باقی می ماند همین است که: «مردم ایران، چرا کتاب نمی خوانند.» همین!

بس کنید، شما را به مقدساتتان سوگند!

چرا هیچ کس نمی پرسد همین درصد ناچیزی که کتاب می خوانند، چه کتاب هایی می خوانند؟!

چرا کسی بررسی و اعلام نمی کند که جز قرآن کریم و مفاتیح الجنان و برخی دیگر از کتاب های مذهبی و نیز کتاب های کمک آموزشی که فراوانی شمارگان آنها دلایل و عوامل مشخصی دارد، بیشترین کتاب هایی که مردم می خوانند و روزبه روز هم پرمشتری تر می شوند و پی درپی به خلعت تجدید چاپ آراسته می گردند از چه جنس و مقوله ای است؟! چرا؟! این قلم ادعا می کند که می توان تحولات اجتماعی تاریخ معاصر ایران را- دست کم از فردای کودتای رضاخان پهلوی تا امروز - براساس «الگوی مصرف کتاب» در هر برهه، دوره بندی کرد. گرایش غالب و مسلط مطالعه کنندگان کتاب در هر دوره از تحولات اجتماعی مهمترین نشانه و مشخصه آن دوره به حساب می آید که به زبان بی زبانی فریاد می کشد احوال درونی جامعه را، البته به روایت آنها که اهل مطالعه کتاب بوده اند. نسل من - میانسالان امروز - دست کم سه موج متفاوت کتابخوانی را تا پیش از انقلاب در خاطره ها دارند:

نخست: موج گرایش به کتاب های مارکسیستی با درونمایه فلسفی، اقتصادی و اجتماعی و نیز اندک کتاب هایی که در نقد و تحلیل این گرایش روانه بازار می شد. دوره کتاب های تقی ارانی و احسان طبری و ایرج اسکندری و دم و دستگاه جریان چپ روسی، دوره «اصول فلسفه» و «چگونه انسان غول شد» و «منشاء حیات» و «انسان خود را می سازد» و «رشد شتابان» و «تاریخ اسلام» پطروشفسکی و «تاریخ ماد» دیاکونوف و از این دست.

دوم: موج گرایش به کتاب های باب طبع دوره بورژوازی نوپای پس از اصلاحات ارضی رژیم سابق و حرکت های ضدانگیزه ای و عوام فریب دوران به اصطلاح ورود ایران به جرگه کشورهای مدرن. مشخصه این دوره گرایش به سوی کتاب هایی است که به تعبیر صمد بهرنگی با مزاج آدم های چوخ بختیار سازگار باشد. «آیین دوست یابی» و «اعجاز خوراکی ها» و «راز خوشبختی» و «کتاب های عشقی و جنسی» و کتاب هایی از این دست.

سوم: موج گرایش به کتاب های انتقادی، انقلابی، حماسی و مبارزاتی. دوره رونق «خوشه های خشم» و «می رویم گل نسرین بچینیم» و «جمیله بوپاشا» و «رزهای سرخ» و «جنگ شکر در کوبا» و «انسان گرسنه» و «مسائل کشورهای آسیایی و آفریقایی» و کتاب های جلال آل احمد و دکتر شریعتی و دیگر روشنفکران و نویسندگان و شاعران اهل مبارز